

The necessity of translating ancient texts Shia history With emphasis on Persian and Arabic

Mohammad Hassan Taqiyeh¹ Hamed Shafiee Bafti²

¹. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran:
Email: mhtaqiyeh@gmail.com

². Correspondence Autor. Master of History in Islamic Iran Email: hamedkmu@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	Examining the translations of ancient Shiite texts shows that some translators have thought less about the aims and scientific and religious burden of ancient Shiite texts because they did not consider themselves required to observe the semantic and qualitative quality of translations of such texts, and focused more on semantic translation. The use of new rhetoric in the translation of ancient Shiite works will greatly help the understanding and position of these texts. Therefore, you should always try to update scientific sources and translation skills. Translation of Islamic texts, especially Shiite texts, is an important necessity in today's world. The reason for this is that the translation of such texts is of great importance first for Persian-speaking Shiites and then for even non-Shiites (including Sunni sects and other Muslim sects). The importance of this is that the majority of non-Arabic-speaking Muslims have language or religious literacy problems in accessing these materials in their original languages. Therefore, the translation of such great works, which represent the main currents of Shiite thought, history and belief, is of great importance to them. Also, the revival and expansion of Shiite Islamic thought and knowledge, the expansion of cultural relations with other nations, religions and ethnicities, as well as the response to conflicting opinions and doubts about Islam and Muslims can be among the more detailed goals of translating and publishing works. Except for the sometimes-tedious debates and difficulties of choosing the exact equivalent for often
Article history:	
Received: 16 Septe2021	
Received in revised form: 10Nove 2021	
Accepted: 14Dece 2021	
Published online: 5Janu 2022	
Keywords: Ancient texts, translations, historical texts, Shiites, Persian language, Arabic language.	

untranslatable religious words, terms, and concepts that have often undergone dramatic semantic changes over time. For this reason, the wording used in the translation should be strong and beautiful, and the prose should be eloquent, because the translations that are more literal are less effective. All of the above are necessary and important for writing this article.

The importance of the present study is to emphasize the undeniable role of translation in identifying rich and scarce sources such as ancient Shiite texts to the target language. At the same time, the spread of Shiite thought in the ideological scope of the world today needs to be dynamic and updated the concepts and themes of these texts in order to attract the current generation to apply them in individual and social life.

But the most important reason for the necessity of translating these texts is not fulfilling the evil and very dangerous desires of the Shiite intellectual enemies whose goal is to eradicate and eliminate the Shiite province and Imamate. Of course, the lack of diverse, accurate and scientific sources of Persian and Arabic language libraries on the subject, as well as the lack of unbiased research are among the necessities of writing this article.

Jurisprudential mindsets and theological attitudes up to the fourth century were opposed to the translation of religious texts and the Qur'an and narrations, and considered this as a kind of interference in the divine and holy texts, and caused the Qur'an and narrations to be deceived. The necessity of adapting the language of religion to the language of the people, as well as the greater history of Persian than Arabic and the speech of the predecessors in this language, were considered as two reasons for the legitimacy of translation.

Translation occurs when the source and destination languages are aligned and approximated. Based on this, the translation of Arabic texts into Persian was done easily; Because the approximation between the two cultures took place during the translation movement. The interpretation of Persian texts in the period of the translation movement was the basis of the work of translators of Arabic texts into Persian and brought the two cultures very close to each other.

Another important factor in the approach to translating religious texts is the flourishing of Qur'anic and hadith studies among Iranians. Such translations would not have existed if there had been no prosperity in the Qur'anic sciences and narrative sciences. Of course, cultural prosperity as a platform in which translation takes root and grows is not separate from the public will.

Another factor is the use of translation tools to generalize and generalize religious teachings. In fact, the spread of Islamic teachings has been the ultimate cause of translation and cultural prosperity, for example, translations of the Qur'an have been one of these methods.

On the other hand, the approach to Persian literature and attention to the revival of Iranian culture is a prelude or the context and context for the effort to translate texts into Persian. Of course, if the translators are not aware of the content of the source culture, and also if they are not able to reflect that content with appropriate terms and combinations, their translation will be disrupted and inefficient.

Cite this article Taqiyeh Mohammad Hassan& Shafiee Bafti, Hamed: (2022) The necessity of translating ancient texts Shia history (With emphasis on Persian and Arabic). *Journal of Iranian and Islamic, studies.* Vol11.No4. Winter2022.pp .96-130.

DOI: [10.30484/JII.2022.3077.1076](https://doi.org/10.30484/JII.2022.3077.1076)



© The Author(s). Taqiyeh Mohammad Hassan& Shafiee Bafti, Hamed
Publisher: National Library and Archives of the I. R. of Iran

DOI: [10.30484/JII.2022.3077.1076](https://doi.org/10.30484/JII.2022.3077.1076)



متون ضرورت ترجمه کهن شیعه با تأکید بر زبان‌های فارسی و عربی محمدحسن تقیه^۱ حامد شفیعی بافتی^۲

^۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران mhtaqiye@gmail.com

^۲. پژوهشگر و کارشناس ارشد رشته تاریخ ایران اسلامی (نویسنده مسئول) hamedkmu@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	امروزه موضوع تحریف در متون و منابع کهن اسلامی بویژه شیعه امری پذیرفتنی است. بکارگیری مترجمان چیره دست در ترجمه متون کهن به منظور تحریف و قلب اطلاعات تاریخی و تحمیل و انتقال دیدگاه‌ها و باورهای سست و تحریف شده به مخاطبان یکی از راهکارهای معمول و هدفمند گروه‌های مخالف اسلام بطور عام و شیعیان بطور خاص است. اندیشمندان شیعه همواره در برابر آسیب‌های علمی خود را مهیا کرده‌اند، بویژه شیعیان ایرانی در حفظ مواریث خود به انحاء مختلف کوشیده‌اند. بر این اساس، پژوهش حاضر قصد دارد با روش توصیفی تحلیلی به نقش و جایگاه ترجمه متون کهن شیعه با تأکید بر زبان‌های عربی و فارسی بپردازد و به این سوال پاسخ دهد که ضرورت‌های ترجمه متون کهن شیعه چیست؟ آیا مترجمان با وجود معادل‌های مناسب در زبان مقصد توان به‌کارگیری سیاق و عناصر فرهنگی را داشته‌اند؟ چرا در برخی موارد بنا بر ذوق و سلیقه شخصی خود به‌راہبرد گرت‌برداری و قرض‌واژگانی و حتی دستوری روی آورده‌اند؟ صرف نظر از ضرورت ترجمه متون کهن تاریخی شیعه به زبان‌های زنده دنیا از جمله به زبان فارسی می‌توان در رهیافتی تاریخی پیامدهای ناخوشایند ترجمه‌های نادقیق و برداشت نادرست و کج‌فهمی‌های مخاطبان و یا زشت و نادرست جلوه دادن متون شیعی، روی‌گردانی مخاطب فارسی‌زبان از توجه به‌درک مفاهیم نغز متون ارزشمند شیعه و کاربردی نکردن آن‌ها در زندگی فردی و اجتماعی رادر پی خواهد داشت.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۵	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۸/۱۹	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۳	
تاریخ نشر آنلاین: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵	
واژه‌های کلیدی:	
متون کهن، ترجمه، متون تاریخی، شیعه، زبان فارسی، زبان عربی،	

استاد: تقیه، محمدحسن و شفیعی بافتی، حامد. (۱۴۰۰). ضرورت ترجمه متون کهن شیعه «با تأکید بر زبان‌های فارسی و عربی» *مجله مطالعات ایرانی-اسلامی*،

دوره ۱۱، ش ۴، صص ۹۶-۱۳۰.

Doi: [10.30484/JII.2022.3077.1076](https://doi.org/10.30484/JII.2022.3077.1076)

© نویسندگان: محمدحسن تقیه و حامد شفیعی بافتی

ناشر: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران





مقدمه

ترجمه متون گوناگون دینی و مذهبی به زبان‌های زنده دنیا پلی است که ادیان و مذاهب جهان را به هم کیشان و دیگرادیان و مذاهب پیوند می‌زند و نقشی بنیادین در این پیوند ایفا می‌کند به گونه‌ای که مانع گسست عقیدتی هم‌کیشان می‌شود. از این رو مسلمانان به ویژه شیعیان نه تنها می‌بایست علوم پیشینیان خود را از راه ترجمه فراگیرند، بلکه بایستی دستاوردهای دینی، علمی و فرهنگی برگرفته از دانش اسلامی و میراث معنوی امامان معصوم (ع)، مورخان، بزرگان و دانشمندان فرهیخته مسلمان را ثبت و ضبط نمایند تا این مواریت شاهکارهای علمی از دستبرد دشمنان در امان بماند.

مطالعات مقدماتی نشان داده است که استفاده بهینه از ترجمه کتاب‌های تاریخی و کهن و شاهکارهای دینی پیشینیان بهترین و علمی‌ترین راه برای رسیدن به هدف است. بنابر این اگر ضرورت انجام ترجمه روشمند متون کهن شیعه برای دست‌اندرکاران و جامعه دانشگاهی و حوزوی تبیین شود ثمرات و دستاوردهای دینی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و... این متون نیز هوشمندانه و به بهترین روش، به مخاطبان جهان منتقل خواهد شد.

پذیرفتنی است که اغلب پیشینیان ما، نسل‌هایی متعهد به اسلام، روشن‌بین، خردگرا و پرهیزگار بوده‌اند، ایشان و اسلافشان متوجه اصالت‌های دینی و هویتی جامعه اسلامی خود شده‌اند لیکن دریای معارف، دانش و هنر اسلامی و شیعی با توجه به کاستی‌های ترجمه‌های موجود به‌روی آن‌ها بسته است. از این رو چالش بنیادین امروز مردم مؤمن جهان، ناآگاهی از اصالت دین و مذهب خود است؛ بی‌گمان هم‌اندیشی مذهبی پس از هم‌دلی نیاز به هم‌زبانی نیز دارد. باید بپذیریم یادگیری و فراگیری زبان دیگری سخت است. در اینجا است که نقش ترجمه پررنگ می‌شود و اهمیت آن روشن می‌گردد. زیرا وظیفه مترجم آن است که داده‌ها، سخنان و متون

دینی و تاریخی را به زبان‌های گوناگون ترجمه نماید. از این رو به نظر می‌رسد ترجمه متون کهن شیعه می‌تواند گامی بنیادین برای شناخت بیشتر مذهب تشیع باشد.

فیض الاسلام پیرامون این موضوع به نکته‌ای مهم اشاره می‌کندوی می‌نویسد: «گاهی در بعضی مجالس پاره‌ای از کلمات نهج‌البلاغه را خوانده و معنای آن را بیان می‌کردم؛ شنوندگان به‌شگفت آمده می‌گفتند اگر علما و رجال دینی ترجمه فرمایش‌های امام علی (ع) را به‌طوری که درخور فهم هر فارسی‌زبان باشد نوشته‌بودند، همه از آن بهره‌مند می‌شدند. بنابر این بر نگارنده واجب شد که این کتاب را به زبان فارسی سلیس و روان ترجمه نمایم.» (فیض الاسلام، ۱۳۷۹: ۷) براین اساس این مقاله می‌کوشد تا نقش ضرورت‌های ترجمه متون کهن شیعه را با تأکید بر زبان‌های فارسی و عربی توضیح دهد و مبانی آن را تشریح نماید.

بیان مسأله

اندیشمندان و متالهان دینی بر تأثیر انکارناپذیر ترجمه متون بر دیدگاه‌های جامعه بشری ناهم‌زمان تأکید دارند. بی‌گمان، جهانیان نمی‌توانند همه نوشتارها، گفتارها و آموزه‌های دینی و تاریخی را به زبان اصلی فرا بگیرند و در زندگی عادی فردی و اجتماعی خود به کار ببرند ولی می‌توانند با درک و فهم دقیق و درست آن‌ها از راه ترجمه، پاسخ بسیاری از پرسش‌ها و نکته‌های مبهم در ذهن بشر را پیدا کنند. برخی فرهیختگان و اندیشمندان شیعه نخواستند، و یا نتوانسته‌اند به‌دلیل ناآشنایی و مسلط‌نبودن بر زبان‌های دیگر به‌موضوع‌های نهفته در آثار گران‌سنگ متون کهن شیعه پی‌ببرند. هرچند تلاش‌هایی صورت گرفته است ولی چون علمی آکادمیک و به‌دور از تعصب انجام نشده، نوعی مخاطب‌گریزی حتی در میان هم‌کیشان را در پی داشته‌است.

بی تردید فرهنگ، تاریخ و تمدن شیعه با مختصات و گفتمان نوین از راه ترجمه می‌تواند حقایق ناب خود را برای همه روشنفکران و اندیشمندان حتی هم‌کیشان

کمترا آگاه روشن سازد. در این صورت نه تنها موجب هم‌گرایی و هم‌افزایی بیشتر آن‌ها فراهم می‌شود بلکه باعث پرهیز از اختلاف‌افکنی، خرافه‌نویسی و شیعه‌هراسی نیز می‌گردد.

نخستین سوال مطرح و فرضیه آن عبارت است از اینکه:

أ) ترجمه متون کهن شیعه چه دستاوردها و کاربردهایی برای مخاطبان امروز خود دارد؟

با توجه به پیشینه گران‌سنگ و پر بار علمی و فرهنگی شیعیان ترجمه‌های این گونه متون می‌تواند نقشه راه همه دست‌اندرکاران به‌ویژه منتقدان، مترجمان، پژوهشگران و متالهان دینی حوزه و دانشگاه باشد تا شبهات، موانع و چالش‌های پیش روی خود را با استناد به آن‌ها از میان بردارند.

دومین سوال و فرضیه آن نیز عبارت از این است که:

ب) ترجمه چنین متونی چه ضرورتی دارد؟

به نظر می‌رسد خواسته بنیادین دشمنان شیعه در طول تاریخ، تحریف، انحراف مذهبی و به‌بی‌راهه کشاندن جریان فکری شیعی بوده است پس مهم‌ترین دلیل ضرورت ترجمه این متون، برآورده نکردن خواسته و اراده شوم و بسیار خطرناک دشمنان فکری شیعیان است.

ج) پیامدهای ترجمه‌های نادرست متون کهن شیعه چیست؟

ترجمه نادرست متون کهن شیعی برداشت نادرست، انحراف عقیدتی، زشت و نادرست جلوه داده‌شدن آن‌ها و مخاطب‌گریزی زبان مقصد را در پی خواهد داشت. نظر تنوع زبانی در موضوع ترجمه تلاش خواهد شد بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای ضمن بررسی و کنکاش نوشتارها و دیدگاه‌های مطرح شده پیرامون موضوع مورد بحث، در منابع و مراجع دو زبان بپردازند و با روش تحلیلی توصیفی به پژوهش در این زمینه نائل آید.

اهمیت و ضرورت تحقیق

ترجمه متون اسلامی به ویژه متون مربوط به شیعه ضرورتی مهم در جهان امروز است. دلایل ضروری بودن این امر آن است که ترجمه چنین متونی اولاً برای شیعیان پارسی زبان و سپس برای حتی غیر شیعیان (اعم از فرقه‌های اهل سنت و سایر فرق مسلمان) از اهمیت فراوانی برخوردار است. اهمیت این مطلب در آن است که اکثریت مسلمانان غیر عرب‌زبان در دسترسی پیدا کردن به این مطالب به زبان‌های اصلی‌شان مشکلات زبانی یا سواد دینی دارند. از این رو ترجمه این دست از آثار بزرگ که نمایانگر جریان‌های اصلی فکری، تاریخی و اعتقادی شیعه بوده از اهمیت بالایی برای آنان برخوردار است. (فخر روحانی، ۲۰۱۸: ۲۱۳)

همچنین احیا و گسترش اندیشه و معارف اسلامی شیعه، گسترش مناسبات فرهنگی با ملل و ادیان و اقوام دیگر و همچنین پاسخ به آراء متضاد و شبهات نسبت به اسلام و مسلمانان از جمله اهداف جزیی‌تر ترجمه و انتشار آثار می‌تواند باشد. بجز بحث‌ها و دشواری‌های گاه طاقت فرسا برای معادل‌گزینی دقیق برای واژه‌ها، اصطلاحات و مفاهیم دینی ترجمه ناپذیر که اغلب در گذر زمان دارای تحولات معنایی فراوان و شگرفی بوده‌اند. به همین دلیل جمله‌بندی‌های به کار گرفته شده در ترجمه باید از استحکام و زیبایی و نثری فخیم برخوردار باشند زیرا ترجمه‌هایی که بیشتر تحت‌اللفظی هستند کم‌تر از تاثیرگذاری مطلوب برخوردار می‌باشند. تمامی موارد ذکر شده از ضرورت‌ها و اهمیت‌های نگارش این مقاله است.

اهمیت پژوهش حاضر در این است که بر نقش انکارناپذیر ترجمه در شناساندن منابع غنی و کم مانند متون کهن شیعه به اصحاب زبان مقصد تأکید نماید. ضمن اینکه گسترش اندیشه شیعی در گستره عقیدتی جهان امروز نیاز به پویایی و به‌روز کردن مفاهیم و مضامین این متون دارد تا نسل کنونی برای به‌کارگیری آن‌ها در زندگی فردی و اجتماعی جذب شود.

و اما مهم ترین دلیل ضرورت ترجمه این متون، برآورده نکردن خواسته و اراده شوم و بسیار خطرناک دشمنان فکری شیعه است که هدفشان ریشه کنی و زدودن ولایت و امامت شیعه است. حال این سوال پیش می آید که اهداف ترجمه متون کهن چیست؟ نخستین فرضیه مطرح اینکه کار ترجمه متون از بین بردن تکلف و تصنع در ترجمه متون دینی شیعی است. چنانکه ترجمه صحیح و بی نقص متون کهن می تواند به رفع شبهات احتمالی مطرح شده عقیدتی نسبت به شیعه بیانجامد؛ یا دستکم مشکلات خوانش صحیح رویدادها و مسائل را حد امکان مرتفع نمایند. در ترجمه هر متن باید به کاربرها و مخاطبان تاریخ خوان توجه شود؛ برای مثال ترجمه برای مخاطبان خاص، کم سواد، کودکان و نوجوانان لازم است. از سویی دیگر، بحث روزآمدی ترجمه هم بسیار اهمیت دارد. کارل بارت، متأله پروتستانی، می گوید: «عالمان دین باید در یک دست کتاب مقدس و در دست دیگر روزنامه داشته باشند» (هوردن، ۱۳۶۸: ۱۱۰) و این در متون دینی واقعیتهای انکارناپذیر بوده که باید برای همه گروه ها و به تناسب نیازهای آنان متون ترجمه و مطرح شود. در هر حال کار این مقاله تشریح ابعاد همین ضرورت ها و اهداف و بایسته های ترجمه متون شیعه است.

پیشینه تحقیق

با وجود جست و جوی نگارنده در پژوهش های هر دو زبان، پژوهشی با این موضوع یافت نشد؛ البته تعداد انگشت شماری از پژوهشگران درباره ترجمه متون دینی مطالب ارزنده ای بیان کرده اند که در ادامه به تألیفات چند محقق اشاره می شود. علی بیگدلی در مقاله «نهضت ترجمه در جهان اسلام»، با جمع آوری اسناد، مدارک، کتب و رساله ها از کانون های مختلف، شکل گیری نهضت ترجمه را در جهان اسلام بررسی و به این موضوع اشاره کرده است که نخستین گام ترجمه و تدوین به زبان عربی، در زمان منصور خلیفه عباسی برداشته شد و به دستور او ترجمه کتب یونانی آغاز شد و به قولی حتی بغداد را نیز به همین دلیل بنا کرد. احمد شهادی

نیز در مقاله «معیارهای ترجمه متون دینی»، درباره روش‌های نوین علمی ترجمه متون مقدس، راهکارهایی ارائه کرده است.

آذرتاش آذرنوش در کتاب تاریخ ترجمه از عربی به فارسی از آغاز تا عصر صفوی، به تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، به ویژه ترجمه‌های فارسی قرآن کریم از آغاز تا عصر پادشاهان صفوی پرداخته است. وی ابتدا به بررسی کیفیت نثر عربی، به ویژه سادگی ساختار نحوی آن پرداخته و بر این باور بوده که قرآن نخستین نثر و نخستین اثری است که از همان آغاز - خواه کتبی و خواه شفاهی- به زبان و، یا زبان‌های فارسی ترجمه شده است. پس از آن گفتاری درباره تفسیر و ترجمه رسمی معروف به ترجمه تفسیر طبری بیان کرده و ابراز می‌کند که این کتاب ترجمه کتاب موسوم به تفسیر طبری نیست، بلکه کتابی مستقل است. اثر دیگر درباره موضوع این مقاله، کتاب یادگارنامه فیض الاسلام، جستارهای علمی و پژوهشی در باب ترجمانی متون مقدس تألیف محمد نوری است. بخش نخست این کتاب، مقالاتی از شخصیت‌های برجسته دینی و مترجمان قرآن درباره زندگی و آثار فیض الاسلام اصفهانی در بر دارد و بخش دیگر به تبیین جوانب نظری و کاربردی ترجمه متون مقدس و نیز الزامات زبانی، معنایی و تاریخی آن اختصاص یافته است.

در این مقاله بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و با روش تحلیلی- توصیفی، به بررسی و کنکاش نوشتارها و دیدگاه‌های مطروحه درباره موضوع، در منابع و مراجع دو زبان پرداخته شده است.

تحول تاریخی ترجمه متون

در بحث تحول تاریخی ترجمه متون دینی، توجه به علل و زمینه‌های تاریخی و علمی امری بایسته است. حقیقت این است که همه مترجمان متون دینی با انگیزه خاص و به تحریک عواملی به این امر پرداخته‌اند. البته انگیزه‌های فردی مترجمان را باید از نوشته‌ها و زندگینامه آنها به دست آورد، اما علل عمومی را باید در متون تاریخی،

اجتماعی و مذهبی جست و جو کرد. در این عرصه، مشروعیت ترجمه از نظرگاه فقهی و حقوقی، نخستین عامل به شمار می آید.

ذهنیت های فقهی و نگرش های کلامی تا سده چهارم هجری قمری، با ترجمه متون دینی و قرآن و روایات مخالف بودند و این امر را نوعی دخل و تصرف در نصوص الهی و مقدس و موجب وهن قرآن و روایات برمی شمردند. ضرورت انطباق و همسان سازی زبان دین با زبان مردم و نیز پیشینه تاریخی زبان فارسی نسبت به زبان عربی و تکلم پیامبران سلف به زبان وحی از دلایل مشروعیت ترجمه قلمداد شده است. با اینکه پس از این دوره، ترجمه متون دینی رواج فراوان یافت، بعدها نیز عده ای با این امر مخالفت می کردند. با این حال، کثرت ترجمه ها و تفسیرهایی مشتمل بر ترجمه فارسی، مشروعیت، نیاز و ضرورت فرهنگی موضوع در هزار سال گذشته را نشان می دهد.

ترجمه پس از هم افق شدن و تقریب زبان های مبدأ و مقصد به وجود می آید. بر این اساس، ترجمه متون عربی به فارسی به آسانی صورت گرفت، زیرا تقریب بین دو فرهنگ در جریان نهضت ترجمه اتفاق افتاده بود. تعریب متون فارسی در دوره نهضت ترجمه، زمینه ساز کار مترجمان متون عربی به فارسی بود و این دو فرهنگ را به یکدیگر بسیار نزدیک کرد.

از دیگر عوامل مهم رویکرد به ترجمه متون دینی، رونق مباحث قرآن و حدیث پژوهی در میان ایرانیان است. اگر علوم قرآنی و دانش های روایی رونق نداشت، چنین ترجمه هایی پدید نمی آمد. البته رونق فرهنگی به عنوان بستری که ترجمه در آن پا می گیرد و رشد می کند، از خواست عمومی مردم جدا نیست (ربانی، ۱۳۸۶: ۳۰۲). علت دیگر، استفاده از ابزار ترجمه برای تعمیم و عمومی کردن آموزش های دینی است که ترجمه های قرآن یکی از همین روش ها محسوب می شده. در واقع، گسترش آموزه های اسلامی، علت غایی ترجمه و رونق فرهنگی، علت فاعلی آن بوده است.

رویکرد به ادبیات فارسی و توجه به تجدید حیات فرهنگ ایرانی پیش‌درآمد و، یا بستر و زمینه‌ی اهتمام به ترجمه‌ی متون عربی به زبان فارسی است. البته اگر مترجمان به مطاوی و محتوای فرهنگ مبدأ آگاهی نداشته باشند و اگر نتوانند آن محتوا را با اصطلاحات و ترکیبات مناسب منعکس کنند، ترجمه‌ی آنان مختل و ناکارآمد خواهد بود (حسینی، ۱۳۸۲: ۳۴).

جایگاه ترجمه‌ی متون کهن شیعه

با ظهور اسلام، زبان عربی زبان تمدن شد و بر تمامی قلمروهای مسلمان‌نشین سیطره یافت. با وجود این، فرهنگ پارسی با قابلیت‌هایی که در جوهره‌ی خود داشت، به انزوا نرفت و در درون فرهنگ عربی فعال ماند و قابلیت‌های خود را به آن فرهنگ منتقل کرد. ایرانیان به عمق فرهنگ عرب فرورفتند و با امکانات و استعداد‌های خود آن فرهنگ را ارتقا بخشیدند. سپس آن فرهنگ را به میان مردم خود آوردند. بنابراین، ایرانیان با تعریب متون علمی به پارسی، هم در بسط و رشد فرهنگ اسلامی و هم در صدور فرهنگ اسلامی به فرهنگ فارسی نقش داشتند. یکی از راه‌های ورود به فرهنگ اسلامی، ترجمه‌ی متون بود. نتیجه‌ی اینکه ترجمه به‌عنوان یک فعالیت، پس از هم‌افق شدن و تقریب زبان‌های مبدأ و مقصد به وجود می‌آید، مثلاً، متون بربری به‌فارسی ترجمه نمی‌شود که علت مهم آن، نبودن ارتباط نزدیک بین فرهنگ فارسی و بربری است. اما ترجمه‌ی متون عربی به فارسی به راحتی انجام شد، زیرا تقریب بین دو فرهنگ در جریان نهضت ترجمه اتفاق افتاده بود. به‌هر حال تعریب متون فارسی در دوره‌ی نهضت ترجمه، زمینه‌ساز کار مترجمان متون عربی به فارسی بود، زیرا این دو فرهنگ را به یکدیگر بسیار نزدیک کرد (فرخی اصل، ۱۳۹۶: ۱۰۸).

تاریخ دینی و فرهنگی جامعه‌ی اسلامی امروز ما با متون کهن شیعه به‌سختی گره و پیوند خورده، و بسیار از آن تأثیر پذیرفته است که اهمیت و جایگاه این متون را نشان می‌دهد. باید به این نکته نیز اشاره کرد که «ترجمه‌ی متون اسلامی به فارسی

از نظر تاریخی پس از دوره نهضت ترجمه تحقق یافت. البته در نهضت ترجمه، بسیاری از متون فارسی به عربی ترجمه شد» (رمضان، ۱۹۹۸: ۵-۱۱۴). با توجه به اینکه امروزه جامعه شیعیان فارسی زبان در سراسر دنیا، از پیشینه گران سنگ و پر بار دینی، تاریخی و فرهنگی خود کمتر آگاهی دارند، بنابراین لازم است شاهکارهای پیشینیان درست و بهینه به آنها شناسانده شود. بهترین راهکار برای این مهم، ارائه ترجمه های علمی، آکادمیک و استاندارد از آن آثار است، زیرا «حقیقت این است که همه مترجمان متون دینی از سر انگیزه خاص و به تحریک عواملی به این امر پرداخته اند. البته انگیزه های فردی مترجمان را باید از نوشته ها و زندگینامه آنان به دست آورد، ولی علت های عمومی را باید در متون تاریخی، اجتماعی و مذهبی جست و جو کرد. در این عرصه، مشروعیت ترجمه از نظرگاه فقهی و حقوقی، نخستین عامل ارزیابی می شود» (نوری، ۱۳۹۱: ۱).

نیک می دانیم بیشتر ترجمه های متون تاریخی با مخاطبان ارتباط برقرار نمی کند و دوری و گریز آنها را از مفاهیم ناب متون تاریخی موجب می شود. بسیار جالب است بدانیم که بررسی های میدانی نویسنده نشان می دهد که مخاطبان فارسی زبان از ترجمه های کنونی متون کهن شیعه ناخوشنودند. از این رو به نظر می رسد که دست کم تا امروز، ترجمه ها ناموفق بوده و شکست خورده است. متون تاریخی، شتاب زده و بی برنامه و غیرروشمند و نادرست ترجمه می شوند. ترجمه های متون شیعی پیش روی ما نشان می دهد که بیشتر مترجمان از علم ترجمه ناآگاه و در این حوزه بی تجربه اند. لذا به نظر می رسد گاهی مترجمان نیز نفهمیده اند که چگونه و چه چیزی را ترجمه می کنند. در صورتی که گزافه گویی و از روی تعصب نیست که بگوییم متون تاریخی شیعه نه تنها میراث گران بهایی برای جهان اسلام، بلکه برای همه جهانیان است. چنان زیبا، دلنشین و نغز است که هر مخاطبی - حتی نامسلمان - را شیفته خود می کند (ابن ندیم، بی تا: ۶۵).

ضرورت‌های ترجمه متون کهن شیعه

صاحب‌نظران و اندیشه‌مندان دینی، بر اهمیت و ضرورت ترجمه متون کهن شیعه وحدت نظر دارند. بنابراین ساده‌انگاری است که گفته شود بهتر است که این متون به همان زبان اصلی باشد، زیرا به دلایل گوناگون، همگان نمی‌توانند زبان و ادبیات نامادری خود را آموزش ببینند. «مردم کشورهای ایران و روم که به اسلام مشرف شدند، مشکلاتی در فهم آیات قرآن و احادیث معصومان داشتند. این مشکلات ناشی از عدم آشنایی با زبان عربی به‌عنوان زبان قرآن و حدیث بود.» (زرقانی، بی‌تا: ۵۵/۲)

جامعه فارسی زبان جهان، برای اینکه با پیشینه درخشان علمی و تاریخی خود از پیامد خطرناک مخاطب‌گریزی پیشگیری کند و از فرهنگ، علم و ادب آنها بهینه سود جوید، باید با ضرورت‌های ترجمه متون کهن عقیدتی خود آشنا شود، تا بدین وسیله، نقشه راهی را برنامه‌ریزی کند و آیندگان را با شاهکارهای علمی و دینی شیعیان به طور مستند و کافی و وافی آشنا کند. «گسترش فتوحات و الحاق بلاد عجم از جمله سرزمین پارس به قلمرو اسلامی و نیازهای فرهنگی ایرانیان به متونی متناسب با فرهنگ ملی خودشان و احتیاج به منابع دینی به زبان فارسی، ترجمه متون را اجتناب‌ناپذیر ساخته بود.» (رمضان، ۱۹۹۸: ۱۱۲ - ۱۱۴)

بی‌گمان بیشتر مردم جهان، مخاطبان کتاب‌های متون مقدس، دینی و مذهبی‌اند و صد البته انگیزه و روحیه حقیقت‌جویی و تشنگی معنوی آنها را به سوی چنین کتاب‌هایی کشانده و موجب تحکیم باورمداری در میان هم‌اندیشان دینی و مذهبی شده است؛ آنچنان که در گذشته نیز چنین بوده است. «ترجمه‌ها و تفسیرهای فارسی در فرآیند تعلیم همکیشان، اثبات عقاید و ترویج اعتقادات شیعی به‌کار می‌آمد.» (صفا، ۱۳۷۲: ۲۵۴/۲) بنابراین طبیعی است که ترجمه این کتاب‌ها به‌آسانی دیگر متون نیست، زیرا با باور و عقیده مردم سر و کار دارد. پس بناگزی ترجمه آنها به مطالعات و پژوهش‌های تخصصی و حرفه‌ای نیاز دارد.

بنابراین اگر بپذیریم ترجمه متون کهن شیعه برای گسترش فرهنگ و دین مبین اسلام و رساندن نوای فرهنگ و عدالت شیعه به گوش جهانیان ضروری به نظر می‌رسد، باید این را نیز بپذیریم که بایستی ترجمه این گونه متون، علمی و استاندارد انجام شود، در غیر این صورت، پیامدهای ناخوشایندی در پی خواهد داشت. بدترین اثر آن، روی گردانی مخاطب فارسی زبان از توجه به درک مفاهیم نغز متون کهن ارزشمند شیعه و کاربردی کردن آنها در زندگی فردی و اجتماعی خود است. به نظر می‌رسد که مترجمان کتاب‌های تاریخی شیعه، همه تلاش خود را کرده‌اند تا ترجمه‌هایی درخور و ارزشمند به مخاطب خود ارائه کنند، اما به دلایلی که بعداً اشاره خواهد شد، نتوانسته‌اند با توجه به پیشرفت ارتباطات مجازی و نیاز گسترده، ترجمه‌های خود را روشمند به پیش ببرند. در نتیجه، گاهی معیارها و موازین ساختارها نادیده گرفته شده است.

ترجمه این گونه متون، دستاوردهای بسیاری داشته است، زیرا تنها راهی بوده که به هم‌گرایی جهانی می‌انجامد و مانند کلید به آن نگریسته می‌شود. بنابراین ترجمه متون تاریخی ضرورتی انکارناپذیر است. هیچ جامعه‌ای و هیچ متنی در هیچ زمانی، از نهضت ترجمه بی‌نیاز نیست. در مورد جامعه ما نیز این امر صادق است. جویندگان چشمه‌های این متون باید از آنها سیراب شوند و بهره لازم را ببرند. اهمیت و ضرورت ترجمه متون تاریخی، امروزه بر کسی پوشیده نیست. از دیرباز هم ترجمه متون مورد توجه پیشوایان و بزرگان دینی قرار می‌گرفته است. نامه‌های پیامبر که برخی آیه‌های قرآن کریم را نیز در برمی‌گرفته است، به پادشاهان کشورهای دیگر از جمله نجاشی، پادشاه حبشه، مقوقس حاکم مصر، هرقل امپراتور روم و کسری شاه ایران توسط سفیران پیامبر به زبان‌های آن بلاد ترجمه می‌شده است (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۹۹). بنابراین اگر گفته شود بهتر است این متون به همان زبان اصلی یعنی، عربی باشد، ساده‌انگاری است، زیرا دچار افت و خیز می‌شود. چندگانگی معارف و معانی اصطلاحات این حوزه، نه تنها ناهمی آنها را برای همگان

آسان نمی‌کند، بلکه دوچندان آسیب می‌زند. پس بهره‌بری مستقیم خواننده غیر عرب‌زبان، ممکن نیست. حتی به دلیل یادشده، گاهی خود عرب‌زبان‌ها نیز به تفاسیر عربی مراجعه می‌کنند.

لازم به ذکر است که اصولاً بیشتر اقشار مردم در همه جهان، با زبان دوم بیگانه‌اند (نجفی، ۱۳۷۰: ۵۳). از این گذشته، علاوه بر ایرانیان، فارسی‌زبانان کشورهای افغانستان، تاجیکستان و غیره، تشنه فراگیری متون تاریخی‌اند. پس آیا بهتر نیست نگاه ما فرا ملی باشد تا ملی و قومی. با نگاهی به این حوزه به نظر می‌رسد تلاش‌هایی انجام شده، اما در برابر بزرگی و محتوای این متون، ناچیز است و درخور و شایسته نیست. برای جذب مخاطب (به گفته‌ی امروزی‌ها بازاریابی فکری)، باید با مطالعه و پژوهش‌های علمی - آکادمیک، مخاطب‌شناسی و نیازسنجی شود. اگر پذیرفتیم که ترجمه، در نزدیک‌کردن فرهنگ‌ها و تمدن‌های جهان به یکدیگر نقش مهمی دارد، با توجه به ارزش‌های معنوی، پیام‌های گران‌سنگ و ویژگی‌های بی‌نظیر متون تاریخی شیعه، باید بپذیریم که ترجمه آنها نیز می‌تواند برای مسلمانان و حتی غیرمسلمانان، نقش معنوی بسیار ارزنده و سازنده‌ای داشته باشد. اگر پذیرفتیم ترجمه متون تاریخی شیعه برای گسترش فرهنگ و دین‌مبین اسلام ضروری به نظر می‌رسد، این را هم باید بپذیریم که اگر ترجمه‌ای علمی و استاندارد انجام نشود، پیامدهای ناخوشایندی در پی خواهد داشت. روی‌گردانی مخاطب از توجه به درک متون تاریخی و کاربردی کردن مفاهیم نغز آن، بدترین اثر آن است. در ادامه برای نشان دادن ضرورت ترجمه درست علمی و آکادمیک، به نمونه‌هایی اشاره می‌شود.

۱. نمونه ترجمه: «لا يقوم التنظيم الكامل للشيعة، وعلى رأسهم الإمام ونوابه، بمتابعة دولة داخل دولة، إلا في حالة من السرية التامة بطبيعة الحال. فالحكومة تخشى خطر الشيعة وتستعمل جهازا واسعا من المخابرات. (الدرجات الرافعة: ۲)، ولكن الشيعة أنفسهم كانوا يلتزمون الحذر في دعوتهم، ومع ذلك لم تكن هناك مؤسسة واحدة لم تتسرب إليها الخلايا الشيعية (مجالس المؤمنین «غیر مرقمه»، الفصل العاشر) = شبکه

و نهاد کامل شیعه - و در صدر آنها امام و نایبانش - به منزله حکومت موازی یا حکومت در حکومت نبود، اما به هر حال گاهی ضرورت داشت که بعضی کارها کاملاً محرمانه انجام شود. در نتیجه، دولت از خطر شیعه ترسیده و سیستم گسترده جاسوسی از آنها را به کار گرفت، اما خود شیعیان، محتاط و دوراندیش بودند. با وجود این، نهادی نبود که گروه های شیعه در آن رخنه نکرده باشند» (جواد علی، ۱۴۰۰: ۲۳).

۲. نمونه ترجمه: «يعتبر علي بن أبي طالب عند الشيعة هو الخليفة الأول بعد النبي. و بعده يأتي ابنه الحسن. وبعد مقتل أخيه وخلفته الحسين (سنة ۶۱ هـ حوالی ۶۸۰ م) لم يعد أعقاب الإمام الثالث، الذين يعترف بهم الشيعة الاثنا عشرية كأئمة، يقومون بالعمل السياسي، وإنما بايعوا الخليفة. كان الاثنا عشرية يؤكدون طبعاً أن هذا يحدث ظاهرياً فقط وأنهم لم يتنازلوا أبداً عن حقهم في الحكم. وقد نصح محمد الباقر، الإمام الخامس، أخاه زيدا أن يتخلى عن مشاريعه الانقلابية وأن يكون سلبياً في سلوكه. (ضحى - الإسلام: ۳/۳۵۷) = علي بن أبي طالب، از دید شیعیان نخستین جانشین پس از پیامبر است. سپس فرزندش امام حسن مجتبی و پس از شهادت ایشان، امام حسین (سال ۶۱ هـ حدود ۶۸۰ م)، جانشینان بعدی محمد (ص) هستند. آنگاه نوادگان امام حسین را که شیعیان دوازده امامی همیشه آنها را به عنوان امامانی می شناسند که کار سیاسی انجام داده و فقط با خلیفه بیعت کردند. شیعیان دوازده امامی تأکید می کنند که این موضوع فقط صوری بوده و هرگز امامان از حق خود در حکمرانی کوتاه نیامده اند. در این میان امام باقر به برادرش زید سفارش می کند از طرح های کودتایی اش دست برداشته و فقط نسبت به حکومت رفتاری منفی گونه داشته باشد.» (جواد علی، ۱۴۰۰: ۶۰)

همچنین می توان به نمونه ای از ترجمه های کتاب *مقاتل الطالبیین* اشاره کرد که کژتابی دارد. البته به سبک درست ترجمه اشاره می شود: «فلما صرنا اهل بیت محمد وأولیائه إلی محاجتهم وطلب النصف منهم باعدونا واستولوا بالاجتماع علی ظلمنا

ومراغمتنا والعنت منهم لنا = (اصفهانی، ۱۴۲۸: ۷۷) مترجمی این متن را چنین ترجمه کرده است: «قریش مسند محمد را از چنگ عرب بنام رحامت و قرابت و خویشاوندی بدر آورد ولی وقتی خاندان محمد که نزدیک‌ترین ارحام و اقارب او بودند سخن از رحامت و قرابت بمیان آوردند پاسخ به لجاج و عناد دادند و دست بدست هم زنجیر کرده بر ستم و ارغام ما عهد اتفاق بستند.» به نظر می‌رسد چنین ترجمه‌هایی خود نیاز به ترجمه دارند، زیرا با مخاطب ارتباط برقرار نمی‌کند. از این رو، این ترجمه پیشنهاد می‌شود: آن گاه که ما خاندان رسول خدا (ص) به قبیله قریش نیاز داشتیم و از آنها خواستیم برخورد منصفانه داشته باشند، ما را از خود دور کردند و دست در دست یکدیگر به ما زور گفتند و ستمگری کردند و دشمنی خود با ما را آشکار کردند.

با توجه به آنچه گذشت و نمونه‌های بررسی شده، روشن می‌شود که ترجمه متون کهن شیعه امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است، چرا که زیان‌های جبران‌ناپذیر دو سویه‌ای خواهد داشت. هم آن متون ارزش و اعتبار گران‌بهای خود را از دست می‌دهد و هم به دین‌گریزی مخاطب زبان مقصد می‌انجامد.

چالش‌های ترجمه نکردن متون کهن شیعه

بی‌شک زمینه شکل‌گیری نهضت ترجمه، در تعالیم و معارف اسلامی و قرآنی نهفته بوده است. هنگامی که انسان، از راه تاریخ و کتاب سفری را آغاز می‌کند و به اولین سال‌های هجری می‌رود و به صفوف مسلمانان پا می‌نهد، می‌نگرد که در مسجدها، بازارها و حتی در میدان‌های جنگ همواره بحث و گفت‌وگو مطرح بوده است. در این میان، نقش ایرانیان نیز برجسته بوده است: «در تذکرها و تراجم اواخر عهد تیموری و اوایل دوره صفوی فهرست‌های بلندی از شاعران و ادیبان پارسی می‌بینیم.» (صفا، ۱۳۷۲: ۱۲۴/۴) «در میان پادشاهان کم نبودند که به مدارج عالی ادب دست یافته بودند. شاه اسماعیل صفوی اشعار پرمایه‌ای دارد.» (همان: ۱۳۶-۱۳۷)

اهل بیت پیامبر (ص)، گذشته از جنبه امامت شان در میان شیعیان، از شاخص ترین رهبران فکری و دینی مسلمانان به شمار می آیند و نمی توان تأثیر آنان را در شکل گیری نهضت ترجمه نادیده گرفت. در حقیقت آنان از پایه گذاران بسیاری از علوم اسلامی بودند. همچنین نباید نقش خلفا، حاکمان و سیاستمداران را در ترجمه نادیده گرفت. ابن ندیم می گوید: «منصور و مأمون عباسی از جمله خلیفه های بودند که نهضت ترجمه مدیون آنهاست؛ زیرا آنان به گردآوری منابع از اطراف و اکناف جهان و آوردن آنها به بیت الحکمه و به تعریب آنها دستور دادند» (ابن ندیم، بی تا: ۳۰۴). یا «در قلمرو آل بویه، شیعه به عنوان مذهب رسمی پذیرفته شد و توسط حکومت ترویج می شد. اینان در صدد تثبیت فرهنگ پارسی البته با مشخصه های دینی به عنوان جانشین فرهنگ حاکم بودند» (کرمر، ۱۳۷۵: ۷۸-۸۳). یا بزرگان دینی بوده اند که از اندیشه و باور نیاکان خود پیروی نکرده اند. ابوالفرج اصفهانی از جمله همین اندیشه مندان بود. او که از خاندان اموی بود، بر خلاف نیاکانش شیعه ای راستین بود و با پیروی از پیشوایانش، به نوبه خود انقلابی در زمینه علم و ادب پدید آورد. اما آیا امروزه جامعه علمی و دینی شیعیان می تواند با تألیف و ترجمه آثار شیعی بر دیگر مذاهب و ادیان تأثیر بگذارد؟!

باید اعتراف کرد که دانشمندان عصر ما به ویژه برخی مترجمان، به اهداف و محتوای علمی و دینی والای متون کهن شیعه کمتر اندیشیده اند. البته نباید چالش های پیش روی آنها را نادیده گرفت. به گونه ای که برخی مترجمان خود را ملزم به رعایت امانت داری و کیفیت بخشی به ترجمه های این گونه متون ندانسته، و بیشتر بر برابری معنایی متون تأکید کرده اند. بدین سبب پیامدهای ناخوشایندی برای جامعه شیعی داشته و دارد که به برخی از آنها اشاره می شود:

أ) تحریف در متون و مصادر کهن، توطئه همیشگی دشمنان شیعه بوده است. علاوه بر شرایط و ویژگی های مترجم، باید به این نکته بنیادین اشاره کرد که عقیده و باور

مترجم به متن تاریخی شیعه، تأثیر شگرفی در ترجمه خواهد گذاشت و مانع از انحراف و برداشت نادرست از مذهب شیعه خواهد شد.

ب) بیشتر متون کهن شیعه به زبان عربی است. از این رو، این متون باید به فارسی ترجمه شود. البته این مشکل پیش از این نیز گریبانگیر جامعه غیر عرب بوده است. «مردم کشورهای ایران و روم که به اسلام مشرف شدند، در فهم آیات قرآن و احادیث معصومان مشکلاتی داشتند. این مشکلات ناشی از ناآشنایی با زبان عربی به عنوان زبان قرآن و حدیث بود.» (حلبی، ۱۳۶۲: ۲۷)

ج) مسئله مهم‌تر اینکه نسل جدید که به راحتی می‌تواند از دنیای مجازی استفاده کند، به نوعی حالت ذوق‌زدگی دچار شده است، به همین خاطر سعی می‌کند که تمام اطلاعات خود را از طریق دنیای مجازی به دست آورد، در حالی که سایت‌ها و اینترنت تنها می‌تواند اطلاعات سطحی را منتقل کند. موضوع استفاده از فضای مجازی باعث شده که کتاب، کمتر خرید شود. از این رو، ما شیعیان باید با رویکردی جذاب و زیباشناسانه به میراث پیشینیان خود بپردازیم و اگر زبان اصلی را نمی‌دانیم، از زبان ترجمه به عنوان پل ارتباطی میان ملت‌ها سود جوییم.

د) مطالب ترجمه کتاب باید جذاب باشد و نیاز مخاطب را برآورده کند. بسیاری از مردم کتاب خواندن و کتاب خریدن را ترک می‌کنند، زیرا در جامعه امروزی، کتاب به عنوان یک وسیله برای ارتقای سطح دانش، آگاهی و علم، تقریباً در حال خارج شدن از زندگی نسل جدید است. در حال حاضر معلومات جامعه از دنیای مجازی به دست می‌آید که معمولاً عمق ندارد و اطلاعات سطحی است. پس بهتر است کتاب‌های مرجع و ناب کهن خود را دریابیم و با نقد و بررسی آنها به جامعه علمی کشور ژرفانگری را آموزش دهیم.

ه) باید بپذیریم در حالی که اینترنت، فضای مجازی و چاپ دیجیتال از غرب آمده است، اما خود غربی‌ها هنوز بر ارزش کتاب تأکید می‌کنند و به همین دلیل است که

کتاب‌هایشان شمارگان بالایی دارد، زیرا آنها در محیط علمی و آکادمیک، به نگارش و نقد معتقدند؛ چیزی که شرف به ویژه مسلمانان از آن بی‌خبرند.

و) کمتر کسی از خوانندگان درصدد برمی‌آید که مندرجات کتاب را به زبان اصلی پیگیری کند و آنها را با منابع تاریخ اسلام تطبیق دهد، زیرا کسی حوصله این کار را ندارد. بنابر این اگر کتاب‌های تاریخی شیعه خوب ترجمه شده باشند، از تحریف تاریخ و مستندات اسلامی جلوگیری می‌شود.

ز) ترجمه متون تاریخی شیعه، آشنایی انسان‌ها از گذشته تاریخی خود را در پی دارد.

ح) البته در این میان باید ترجمه این گونه متون شیعه، بازنگری و بازبینی شود تا نقاط قوت و ضعف آنها برای تبیین ارزش و اعتبارشان روشن شود، زیرا بدون شناخت دقیق و درست آنها نمی‌توان به آنها استناد و ارزش تاریخی‌شان را اثبات کرد.

راهکارهای ترجمه متون کهن شیعه

ترجمه‌های ناروشمند، تحریف‌شده و غیرتخصصی، بر اهمیت ترجمه این گونه متون می‌افزاید تا دست‌اندرکاران توجه بیشتری به حوزه‌های مهم دینی، فکری و علمی داشته باشند:

أ) بی‌تردید مسلمانان به‌ویژه شیعیان امام علی (ع)، عشق و علاقه بسیاری به ولایت و امامت دارند. آنها تمایل دارند که هر چه بیشتر از گذشته خاندان ابوطالب بدانند تا بتوانند حقانیت و مظلومیتشان را در روزگار کنونی اثبات کنند. پس چه بهتر که به پیش‌کسوتان تاریخ و فرهنگ خود برگشته و دوباره آنها را بازشناسی کنند. البته بزرگان پیشین علم و دین، در این زمینه آثاری گران‌سنگ را ترجمه و، یا تألیف کرده‌اند. «فخرالدین علی بن‌حسن زواره‌ای از دانشمندان نامی زمان شاه طهماسب اول و یکی از نخستین کسانی است که در زمینه شیعه کتاب‌هایی به فارسی تألیف

کرده، و یکی از پرکارترین دانشمندان زمان خود به‌شمار می‌رود.» (تهرانی، بی‌تا: ۹۰/۴)

ب) بی‌گمان راهکار حل مشکلات موجود در برداشت‌های نادرست و انحراف‌های متون کهن شیعه، ترجمه‌ی روشمند و آکادمیک آنها به‌زبان فارسی است. در نتیجه با این روش، فرهنگ دینی در راه درست خود تقویت می‌شود و زبان و ادبیات فارسی نیز جان تازه‌ای می‌گیرد.

ج) در ترجمه‌های متون تاریخی شیعه بعضی اشتباهات راه یافته است. ما می‌دانیم که عقیده و باور مترجم درباره‌ی متن تاریخی شیعه، تأثیر شگرفی در ترجمه می‌گذارد و مانع از انحراف و برداشت نادرست از مذهب شیعه می‌شود. لذا این موضوع می‌طلبد که شیعیان همت کرده و خود به ترجمه‌ی شاهکارهای کهن تاریخ شیعه بپردازند تا از گزند دشمنان دیرینه در امان بمانند. در این میان نباید از این نکته بنیادین دور ماند که «هر ربع قرن یک ترجمه‌ی متناسب با ساختار ذهنی و زبانی مردم آن دوره، پاسخی شایسته به نیازهای فرهنگی دینداران و قرآن‌پژوهان است» (کوشا، ۱۳۸۲: ۹).

د) به نظر می‌رسد که دانشمندان علوم دینی در حوزه‌های علمیه و دانشگاه، به این گونه کتاب‌ها بسیار مراجعه می‌کنند و حتی دین‌پژوهان جهانی با مراجعه‌ی گسترده به آنها، پاسخ شبهه‌های خود را می‌یابند، اما متون، بایسته و شایسته ترجمه نشده‌اند و، یا گاهی گنگ و مبهم ترجمه شده‌اند. از این رو، ضرورت دارد که ترجمه‌های کتاب‌های تاریخی شیعه و اکاوی شود تا مخاطبان از چگونگی آن آگاهی یابند و بتوانند نیازهای فکری و تاریخی خود را برطرف کنند. مانند اینکه «مقدس اردبیلی کتابی با عنوان *زبدہ البیان* به عربی نوشت. نیاز فارسی‌زبان‌ها موجب شد که چند سال بعد این اثر به فارسی ترجمه شود» (دزفولیان، بی‌تا: ۱۰۶).

ه) پژوهشگر انتظار دارد با نقد و بررسی این گونه کتاب‌ها، راهی برای کنکاش در ترجمه‌های کتاب‌های مرجع بیابد، زیرا به‌نظر می‌رسد که ترجمه‌ها - به‌دلایل

گونگون- مورد استقبال مخاطبان قرار نمی‌گیرد. شاید با این کار، ترجمه‌های بهتر و به‌روزتری به خوانندگان متون تاریخی کهن شیعه ارائه شود. در این میان، اگر ترجمه‌ها علمی و روشمند و با توجه به ساختارهای علم ترجمه مورد نقد قرار نگیرد، مهم‌ترین پیامد آن، تحریف معنایی و حتی عقیدتی متون خواهد بود که موجب بد جلوه‌دادن شیعه‌مداران و منحرف شدن آنان می‌شود. همچنین گریز و روی‌گردانی مخاطبان به‌ویژه جوانان را در پی دارد که برای جامعه شیعی سخت و گران خواهد بود.

و) گسترش مذهب شیعه در سال‌های اخیر در سراسر جهان، گویای این موضوع است که با ترجمه شاهکارهای تاریخی شیعه می‌توان ضمن مراقبت معنوی از شیعیان ناب، برخی دیگر را جذب این مذهب متعالی کرد.

ز) جامعه امروزی از دانشگاهیان و حوزویان می‌خواهد که با نقد و بررسی شاهکارهای دینی و تاریخی خود، گذشته پرفروغ مسلمانان به‌ویژه شیعیان را به جهانیان نشان بدهند تا به توهم امروزی غربیان پاسخ دهند که می‌گویند آثار اسلامی خاورشناسان غربی مستندتر از دانشمندان مسلمان شرقی است. در این میان « اگر تلاش‌های ایرانیان در زمینه دانش لغت عرب نبود، فساد و انحطاط همه پیکره ادبیات عرب را فرا گرفته بود» (ابن خلدون، ۱۳۵۹: ۱۱۴۸).

نکاتی در باب ترجمه متون کهن مقدس

در مبحث ترجمه متون مقدس، چند نکته مهم و بنیادین ذیل عنوان دیدگاه مطرح می‌شود.

۱. دیدگاه سبک‌شناختی

مترجم متون دینی در آغاز هر ترجمه، برای به‌دست آوردن و مشخص کردن چگونگی سبک هر متن باید بکوشد و این نخستین قدم برای هر ترجمه درست است. وقتی می‌خواهیم متنی را ترجمه کنیم، مثلاً، بخشی از قرآن کریم، احادیث، یا احتجاجات دینی را به زبان فارسی برگردانیم، لازم است پیش از هر چیز سبک آن

متن را بشناسیم و عناصر آن را تحلیل کنیم. پرسش اساسی این است که سبک متن چیست و معلول یا فرآورده کدام عوامل است؟ سه رهیافت به متن وجود دارد: افق-بینی، دوربینی و ذره بینی. با لحاظ این سه رهیافت، باید سبک متن را مشخص کرد. در مبحث دیدگاه سبک شناختی چند نکته اساسی به قرار زیر وجود دارد:

۱-۱. نثر معیار

در دوران معاصر، زبان آگاهی پدید آمده است و این قضیه، کار مترجم را دشوار اما زیبا می‌کند. زبان، خود دستگاه نشانه‌ها و نمادهاست. در ترجمه، آگاهی به نمادها و خبرگی در کاربرد آنها لازم است. شنیدن واژه‌ها در چینش فرهنگی و زمانی و نیز حساسیت به واژه، جمله، عبارت، بند و اصطلاحات بایسته است. ترجمه، گونه‌ای گذار زبانی است. متیو آرنولد می‌گوید: «خواندن، فرهنگ است» (جانسون لزی، ۱۳۷۸: ۱۲۷). اگر به این بعد فرهنگی توجه کنیم، درمی‌یابیم که امروز نیز نثر مرده و آکنده از حشو و نیز نثر چرب و انشانویسی به‌کار ترجمه متن قدسی نمی‌آید.

۲-۱. چهار رهیافت

نکته دیگر در دیدگاه سبک شناختی، رهیافت‌های گوناگون به ترجمه متن مقدس و دینی است. چهار شکل ترجمه واژه به واژه، جمله به جمله، عبارت به عبارت و کل مفهوم، چهار رهیافت در ترجمه‌اند. البته به لحاظ زبانی، عصر ترجمه واژه به واژه واقعاً سر آمده است. حتی اگر رهیافت مفهومی به ترجمه دنبال شود، یک نکته مهم نباید فراموش شود؛ اینکه ترجمه ساده یعنی، گرایش به حداقل زبانی و ایجاز هم مطلوب است. ترجمه متن دینی باید کمال ایجاز و اختصار را داشته باشد.

۳-۱. آرکایسم یا نوگرایی

ترجمه، ویران‌کننده سوئی قدسی متون مقدس است. پس باید چاره‌ای اندیشید. یکی از این چاره‌ها توجه به عناصر زیبایی‌شناختی از جمله آرکایسم و باستان‌گرایی است. اما در کاربرد این چاشنی نباید افراط کرد. به‌همین دلیل است که مثلاً، ترجمه

منظوم، کاری بیهوده و بر بنیاد دیدگاه نادرستی از زیبایی شناسی زبان است. یکی از مفاهیم مهم ترجمه متون مقدس، عناصر لذت هنری در آنهاست. آیا وجود چنین عناصری لازم است؟ سارا میتلند، نویسنده بریتانیایی که در دانشگاه آکسفورد تحصیل کرده است، کتابی دارد با عنوان چگونه کتاب بخوانیم تا لذت ببریم. کتاب راهنمای مترجمان نیز باید این عنوان را داشته باشد که «چگونه ترجمه کنیم تا لذت ببرند». نباید از انتقال عناصر زیبایی شناختی در متن قدسی غافل بود. گاه ترجمه ساده و درست، برخی از زیبایی های متن قدسی را منعکس می کند.

۴-۱. تأملات و اژده شناختی

مترجم باید در هر دو زبان، واژه نامه مفید و جامعی داشته باشد. ترجمه واژگان متن دینی کاری مهم است. مثلاً واژه جن را به «پنهان زیست» ترجمه کرده اند. اما «پری» بهتر است؛ هر چند خود «جن» نیز بارهای معنایی خود را دارد. کندراتوف می گوید: «واژه های دستوری مثل ضمائر، حروف اضافه، حروف ربط، حروف تعریف و افعال اسنادی ۳۵ درصد زبان نوشتار را تشکیل می دهند» (نجفی، ۱۳۷۰: ۳). بنابراین توجه به ریشه شناسی واژه های متون دینی امری بایسته است.

۲. دیدگاه کاربردشناختی

دیدگاه مهم دیگر در عرصه ترجمه متون مقدس، دیدگاه کاربردشناختی است. در ترجمه هر متن باید به کارویژه های تاریخی توجه شود؛ مثلاً ترجمه برای مخاطبان خاص، کم سواد و کودکان و نوجوانان لازم است. بحث روزآمدی ترجمه هم بسیار اهمیت دارد. کارل بارت متأله پروتستان، گفته است: «عالمان دین باید در یک دست کتاب مقدس و در دست دیگر روزنامه داشته باشند» (هوردن، ۱۳۶۸: ۱۱۰) و این در متون دینی واقعییتی انکارناپذیر است که باید برای همه گروه ها و به تناسب نیازهای آنان مطرح شود.

۳. دیدگاه معناشناختی

دیدگاه مهم دیگر در ترجمه متن مقدس و دینی، جنبه معناشناختی آن است. مترجم در این بخش باید به چند نکته اساسی توجه کند:

أ) سطوح مختلف زبان و کاربردهای آن: زبان سطوحی مختلفی دارد که از سطوح ادبی، کهن و علمی تا سطوح صنفی، عامیانه و رسمی و ... را در بر می‌گیرد. مترجم باید مشخص کند که سطح زبان متن در زبان مبدأ چیست و خود او می‌خواهد آن را به چه سطحی از زبان مقصد ترجمه کند.

ب) تطورات زبان: تطورات زبان بحث دیگری در دیدگاه معناشناختی است. باید دانست که زبان دائماً تغییر می‌کند. زبان فارسی امروزه، زبان کهن و یا زبان سالیان پیش نیست. ساختار و نیز واژه‌ها دگرگون شده‌اند. امروزه واژگانی همچون ماهواره، جشنواره، روند، فرایند، زبان‌شناسی را به کار می‌بریم. دیروز چنین واژگانی را نداشتیم. امروزه کلمات دادستان، راننده، حوله، سکه، تجربه و آزمون را به کار می‌بریم. دیروز به جای واژگان پیش‌گفته از کلمات داروغه، سورچی، قطیفه، اشرفی، تجربت استفاده می‌کردیم. مبنای این تغییر واژگانی، علم، فرهنگ، جامعه و زندگی روزمره است.

ج) تفسیر و تأویل: از دیگر مباحث مطرح در دیدگاه معناشناختی، بحث تفسیر و تأویل است. هر ترجمه بناچار نوعی تفسیر از متن اصلی است. بدون تفسیر، ترجمه به طور کلی و ترجمه متون دینی به نحو اخص ممکن نیست. اصول تفسیر (شهادی، ۱۳۸۵: ۱۹) عبارت است از: تبیین مقصود اصلی، انتقال معنی حتی‌الامکان واقعی واژگان، مشاهده زمینه و متن‌ها، ارتباط با زمینه‌های تاریخی- فرهنگی، قالب ادبی (مثلاً شعر)، تفسیر متن به متن بر اساس طرح مؤلف، مطالعه واژه و دستور. به یاد داشته باشیم که خدا به زبان انسان سخن می‌گوید. آیا هر ترجمه، تفسیری است؟ دو شیوه متفاوت برای ترجمه کتب مقدس به کار می‌رود:

۱. هم‌ترازی صوری: در اینجا، ترجمه صوری و کاملاً دقیق متن و حتی ترجمه واژه به واژه متن مراد است. مترجم نمی‌خواهد بگوید که مراد خدا و یا متن مقدس چیست، بلکه صرفاً کلمات خدا و، یا متن مقدس را منتقل می‌کند.

۲. هم‌ترازی پویا: اضافه کردن فهم مترجم به متن است. معنی متن با افزودن فهم و برداشت مترجم ساخته می‌شود (فعالی، ۱۳۷۹). باب این رهیافت را کنت تیلور در ۱۹۷۱ میلادی گشود. او متوجه شد که ترجمه کینگ جیمز از کتاب مقدس، برای کودکان نامناسب است. بعداً که به ترجمه‌های مفهومی‌تر و تفسیری‌تر پرداخت، متوجه شد که آن ترجمه قدیمی برای بزرگسالان نیز چندان کارآمد نیست. این بود که خود، ترجمه انجیل زنده را به دست داد. پس از کار او شمار ترجمه‌های پویا رواج یافت.

در بحث تفسیر باید گفت که سه نوع مداخله تفسیری در متن ممکن است: افزایش، کاهش، تصرف و تغییر ساختار و چینش (شهادی، ۱۳۸۵: ۲۰). گاهی تصریح به تفسیر متن و نیز معلوم کردن مراد واقعی متن لازم است. مثلاً در آیه *إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنُ مَثْوَايَ* (= او خدای من است، مرا مقامی منزه و نیکو عطا کرده است) (یوسف/۲۳)، اگر ضمیر را به «عزیز مصر» برگردانیم، چنان که برخی از مفسران گفته‌اند، لایه دیگری از معنی برای آیه منتقل کرده‌ایم. اگر این ضمیر به «عزیز مصر» بازگردد، تصریح به آن لازم است و نمی‌توانیم ضمیر را «او» ترجمه کنیم. گاهی افزایش بر اساس نیازی فرامتنی لازم می‌شود. در قرآن کریم آمده است: *وَسَيِّقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا* (= متقیان خدا ترس را فوج فوج به سوی بهشت برند) (زمر/۷۳). «سیق» مجهول را می‌توان به معلوم ترجمه کرد. خرمشاهی گفته است: اما اگر این دو کلمه را معلوم ترجمه کنیم، باید توجه داشته باشیم که کافران را به جهنم می‌رانند، ولی متقیان را راهنمایی می‌کنند. در اینجا افزودن کلمه‌ای لازم می‌شود که این معنی را انتقال دهد. جلال‌الدین فارسی در ترجمه «یا ایها الذین آمنوا» به اصرار می‌آورد: «هان‌ای کسانی که ایمان آوردند»؛ اما مثلاً، خرمشاهی در تقریباً

همه موارد «ای مؤمنان» ترجمه کرده است. موسوی گرمارودی هم «ای مؤمنان» آورده است (همان، ۲۱).

د) عناصر معرفت‌شناختی: یکی دیگر از ارکان مباحث معناشناسی ترجمه، موضوع عناصر معرفتی است. ما در مواجهه با یک متن، همواره با طیفی از لایه‌های معنایی روبه‌رو می‌شویم. ساخت‌های فکری، فلسفی، کلامی، تاریخی، اجتماعی و اخلاقی، سازنده هر متن و تلقی ما از هر متن‌اند. در ترجمه باید برای همه این مفاهیم فکر و بحث انتقال آنها ارزیابی شود.

ه) صورت یا محتوا: نزاع مهمی در مباحث ترجمه متون مقدس درباره تقدم و اولویت انتقال صورت و یا محتوا وجود دارد. گاه تقوای ترجمه متون مقدس باعث می‌شود که مترجم به ترجمه تحت‌اللفظی دچار شود و ناخواسته معنی روشن متون را تیره کند. اما این دقت پرهیزکارانه باید با گونه‌ای معنا‌باوری همراه شود تا خواننده از درک درست معنی عاجز نماند. در کار ترجمه باید به موارد ذیل توجه شود: تقدم و تأخر اجزای جمله بر حسب زبان مقصد، جایگاه و کارکرد فعل، مفعول و فاعل، مرجع ضمائر، نسبت‌های بیانی و معنوی کلمات، جنسیت، عموم و خصوص، شخص، کنایه، همچنین محتوای عاطفی، اجتماعی، فرهنگی، عمومی و خصوصی و نیز مفاهیم چند لایه، صریح، خطی، دایره‌ای.

در ترجمه‌های تحت‌اللفظی، بنیاد و مرکز ثقل ترجمه، صورت و فرم بود. اما در ترجمه‌های معنا‌محور و جدید، محتوا و پیام است. البته گاهی ترجمه مفهومی و یا پیام محور، موجب گسست ساختار و چینش خطی روایت متن مقدس می‌شود. اما آیا این امر بدتر است و یا مفهوم نبودن متن؟ این پرسشی جدی است.

و) آشکاری و آشکارگری: پیچیدگی متن، معلول فاصله‌های تاریخی و فرهنگی و زبانی است. فواصل زبانی و مبانی جامعه‌شناختی و روان‌شناختی هم مؤثر است. کاربرد ناهماهنگ دو زبان نیز عامل دیگری است. در هر حال، مترجم باید به ساده‌سازی توجه کند و این غیر از سطحی‌گرایی است. برای همین نمی‌توان از واژه‌های

جاافتاده و تغییر نپذیرفته چشم پوشید. در ترجمه به این نکته هم باید توجه داشت که پرهیز از غلبه عربی‌گرایی و یا زبان صنفی لازم است.

(ز) الزامات بلاغی و زیبایی‌شناختی متن: متن قدسی سرشار از زیبایی است. اما پرسش این است که انتقال زیبایی‌های متن از چه راهی ممکن است؟ زیبایی‌شناسی هر متن بر اساس زبان شکل می‌گیرد. اما اگر انتقال دستگاه زبانی زیبایی‌ساز، از زبان مبدأ به زبان مقصد ممکن نباشد، حفظ صورت ساده و طبیعی کلام اولویت دارد. زیبایی مصنوعی آفت‌زاست (همان).

۴. دیدگاه ساختار یا ریخت‌شناسی

یکی دیگر از ابعاد مهم ترجمه، بعد ریخت‌شناسی آن است. ریخت و یا ساختار، در متون قدسی نباید نادیده انگاشته شود. از این رو باید با دقت در آن، برای انتقال بهتر مفهوم کوشید. در دیدگاه ریخت‌شناسی چند مبحث فوق‌العاده اهمیت دارد:

(أ) متن و فرا متن: توجه به همه مفاهیم و عناصر هاله‌ای در هر متن که گرداگرد متن تنیده شده و فهم آن متن منوط به فهم آنهاست. متن چیزی بیش از کلمات موجود بر کاغذ است. هر متن در اطراف خود فضایی دارد که چه بسا با کلمات، به زبان و عینیت در نمی‌آید.

(ب) نسخه‌ها و تعدد نقل‌ها: توجه به این مهم نیز باعث گریز از برخی خطاهای لفظی و معنایی می‌شود.

(ج) دستور زبان و واژه‌ها؛ تفاوت‌ها و شباهت‌ها: پایبندی به دستور زبانی متن مبدأ، کاری نادرست و دردسر زاست. آنچه واقعاً اهمیت دارد، رعایت دستور زبان مقصد است. مثلاً، به کاربرد زمان افعال در هر دو زبان باید توجه کرد. مواردی از این دست سرنوشت‌ساز است. آیا مثلاً، صیغه مجهول و یا تأنیث، در زبان مبدأ و یا مقصد وجود دارد؟ برای نمونه نایدا گفته است: تعبیر «سفید همچون برف» در کتاب مقدس برای مردمی که برف ندیده‌اند، نامفهوم است. می‌توان «بسیار بسیار سفید» یا «سفید همچون پر قو» ترجمه کرد (مستعلی و...، ۱۳۹۶: ۱۱).

گاهی در ترجمه، تغییر ساختار لازم است. مثلاً، بسیاری از مترجمان «واو» استینافیه و یا زائده را ترجمه می‌کنند، برخی هم به درست، ترجمه نمی‌کنند: (وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ = حکم قصاص برای حفظ حیات شماست) (بقره/۱۷۹) و (... وَ لِيَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ و تا به مقام اهل یقین رسد) (انعام/۷۵).

تقدم و تأخر کلمات نیز از مثال‌های دیگر است. در آیه (وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا = و کافران گفتند که زندگی ما جز همین نشئه دنیا و مرگ و حیات طبیعت نیست) (جاثیه/۲۰) که دو واژه «نحیا و نموت» را میبیدی: «می‌زییم و می‌میریم»؛ خرمشاهی: «زندگی می‌کنیم و می‌میریم» و آیتی: «به دنیا می‌آییم و می‌میریم» معنی کرده‌اند (شهادی، ۱۳۸۵: ۲۰).

د) هم‌زبانی کلی و مجموعی: در بحث ریخت و ساختار باید به یک نکته دیگر هم توجه کرد. پاره‌ها و بخش‌های ترجمه با دیگر بخش‌ها و پاره‌های کلیت متن قدسی، باید هماهنگی و هم‌نوایی کامل داشته باشد. همچنین با فضای کلی و سپهر ادراکی آن دین نباید تعارض داشته باشد.

۵. دیدگاه روان‌شناختی

در این دیدگاه نیز نکات مهمی وجود دارد که مترجم متن قدسی نمی‌تواند از آنها چشم‌پوشد. به هر حال نوع نگاه مترجم و انگیزه‌ها و سائقه‌های او در ترجمه مداخله می‌کند. از این رو باید با دقت به جنبه‌های مختلف این افق نگریست:

أ) دلیل انتخاب: نخستین پرسش‌های هر مترجم باید این باشد که گزینش کدام متن برای ترجمه مفیدتر و کارآمدتر است؟ خلأها و کاستی‌ها کجاست؟ مترجم باید صرفاً مغلوب انگیزه‌ها و سائقه‌های ذهنی خویش نشود و با نگاهی جمع‌گرا و چندساحتی به موضوع بنگرد (همان: ۲۲).

ب) حفظ عناصر فرقه‌ای یا طرد آن: در ترجمه بیشتر متون مقدس، حفظ عنصر فرقه‌گرایی دشواری‌ساز است. مثلاً، بحث قرآن شیعه در ترجمه، نادرست و تباہی‌آور است (همان).

ج) حفظ روایات شاذ یا عام: در واقع مترجم نباید با تکیه بر نقل‌های شاذ به ترجمه و انتقال مفاهیم قدسی بپردازد. وظیفه مترجم، حفظ کلیت متن و نیز عمومیت آن است.

د) نگاه بومی یا جهانی: زدودن فضا و سپهر محلی از متن و فرا گستر کردن آن، کار ترجمه خوب و درخشان است.

ه) باورها و پیش‌فرض‌ها: پیش‌فرض‌های مترجم در سویه‌های مختلف بر ترجمه اثر می‌گذارد. اگر مترجمی به زبان امروز اعتقاد داشته باشد، به‌زیباسازی ترجمه معتقد باشد و پرسش‌های رایج عصر و نسل امروز را بداند؛ به‌گونه‌ای ترجمه می‌کند و اگر مترجمی همه اینها را نداند و به آن اعتقاد نداشته باشد، به‌گونه‌ای دیگر. این پیش‌فرض‌ها، هم در انتقال معنی مؤثرند و هم در انتقال شکل و صورت. مثلاً، فیض-الاسلام در ترجمه «ووصینا الإنسان بوالدیه» در برابر انسان پُرانتز باز کرده و گفته است: «امام حسین (ع)». این نوعی روایت شیعی در تفسیر قرآن است که گونه‌ای تفسیر و تأویل باطنی است و پیش‌فرض ترجمه فیض محسوب می‌شود (قاسم پور، ۱۳۸۸: ۵۴).

نتیجه‌گیری

ترجمه‌ها از منظر انگیزه‌های مترجمان و نیز زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، به پیدایش انگیزه ترجمه در روان و ذهن مترجم انجامیده است. اصولاً انگیزه‌های فرد را باید از لابلای نوشته‌های او و اطلاعاتی جست‌وجو کرد که نزدیکان معنوی و یا نسبی و سببی‌اش در اختیار می‌گذارند، اما علت‌های فرهنگی و اجتماعی را از متون تاریخی، اجتماعی، مذهبی و ... باید به دست آورد. بررسی ترجمه‌های متون کهن شیعه نشان می‌دهد که برخی از مترجمان به اهداف و محتوای علمی و دینی والای متون کهن شیعه کمتر اندیشیده‌اند، زیرا خود را به رعایت امانت‌داری معنایی و کیفیت‌بخشی به ترجمه‌های آن متون ملزم ندانسته‌اند و بیشتر بر برابری و ترجمه معنایی متون تأکید کرده‌اند. در نتیجه، این نوع ترجمه ما را به‌هدف و غایت‌مان

مجله مطالعات ایرانی اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۴- زمستان ۱۴۰۰.

نمی‌رساند که گسترش علوم اسلامی شیعه در میان نسل جوان جهان کنونی است. استفاده از روش‌ها و فن بیان جدید در ترجمه آثار کهن شیعی، به فهم و جایگاه این متون کمک بسیاری خواهد کرد. بر همین اساس همواره در به روزآوری منابع علمی و روش‌های ترجمه باید اهتمام ورزید تا این متون در میان نسل جدید جایگاه درخوری به دست آورد.

منابع و مطالعات:

قرآن کریم

آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۵ش)، تاریخ ترجمه از عربی به فارسی از آغاز تا عصر صفوی، تهران: سروش.

ابن خلدون (۱۳۵۹ش)، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

ابن سعد (۱۴۱۰ق)، الطبقات الكبرى، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن ندیم (بی تا)، الفهرست، به کوشش رضا تجدد، تهران: مروی.

أحمد أمين (۱۹۳۳م)، ضحی الإسلام، القاهرة: مكتبة لسان العرب.

اصفهانی، ابو الفرج (۱۴۲۸هـ)، مقاتل الطالبیین، شرح و تحقیق احمد صقر، ترجمه جواد فاضل، قم: دارالزهراء.

تهرانی، آقا بزرگ (بی تا)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، تهران: اسماعیلیان.

حلی، علی اصغر (۱۳۶۲ش)، تاریخ تمدن اسلام، تهران: دنیای کتاب.

حسینی، سید محمد (۱۳۸۲ش)، «پیشینه ترجمه در فرهنگ ایرانی و زبان فارسی»،

نشریه مطالعات ترجمه، تهران، دوره ۱، شماره ۴، صص ۲۷ - ۴۲.

دزفولیان، کاظم (۱۳۵۷ش)، فهرست‌واره تاریخ ادبیات ایران از صدر اسلام تا سال

۱۳۵۷، تهران: طلایه.

ربانی، هادی (۱۳۸۶ش)، «دغدغه‌های ترجمه متون دینی»، نشریه علوم حدیث، قم،

دوره ۱۲، شماره ۳ - ۴، صص ۲۹۹ - ۳۰۴.

رمضان، نجده (۱۹۹۸م)، ترجمه القرآن الکریم و اثرها فی معانیه، دمشق: دارالمحجج.
 زرقانی، عبد العظیم (بی تا)، *مناهل الفرقان فی علوم القرآن*، القاهرة: دارالإحیاء.
 الششتری، نورالله القاضی (۱۲۶۸ق)، *مجالس المؤمنین*، طهران: کتابفروشی
 اسلامیه.

شهدادی، احمد (۱۳۸۵ش)، «معیارهای ترجمه متون دینی»، فصلنامه محدث، شماره
 ۳، صص: ۱۷-۲۶.

صفا، ذبیح الله (۱۳۷۲ش)، *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران: فردوسی.
 علی، جواد (۱۴۰۰ش)، *انتظار از دیدگاه شیعه*، ترجمه محمدحسن تقیه، تهران،
 سروش.

فخرروحانی، محمدرضا (۲۰۱۸م)، *گذری و نظری بر برخی ترجمه های متون دینی
 شیعه امامیه به زبان انگلیسی*، تهران: نقدنامه زبان های خارجی.

فرخی اصل، سینا (۱۳۹۶ش)، «نقش ترجمه در عرصه های بین المللی و ارتقای
 روابط فرهنگی ایران»، <https://cafetarjome.com>

فعالی، محمد تقی (۱۳۷۹ش)، «تفسیر متون مقدس در دو نگاه»، نشریه قبسات،
 شماره ۱۷، صص ۷۲-۷۶.

فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی (۱۳۷۹ش)، *ترجمه و شرح نهج البلاغه*، تهران:
 مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام.

قاسم پور، محسن (۱۳۸۸ش)، *جستاری در حقائق التفسیر و رویکرد تأویلی آن*،
 نشریه پژوهش دینی، شماره ۱۸، صص ۵۱-۷۹.

کرمر، جوئل (۱۳۷۵ش)، *احیای فرهنگی در عهد آل بویه*، ترجمه محمدسعید حنایی،
 تهران: نشر دانشگاهی.

کوشا، محمد علی (۱۳۸۲ش)، *ترجمه های ممتاز قرآن در ترازوی نقد*، رشت: کتاب
 مبین.

مجله مطالعات ایرانی اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۴- زمستان ۱۴۰۰.

مدنی، علیخان بن احمد (۱۹۸۳م)، *الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعه*، بیروت: مؤسسه الوفاء.

نجفی، ابوالحسن (۱۳۷ش)، *درباره ترجمه؛ مسئله امانت در ترجمه*، تهران: نشر دانشگاهی.

نوری، محمد (۱۳۹۱ش)، *تحول تاریخی ترجمه متون دینی*، خمینی شهر: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.